

بررسی ایام باستانی و جشنهای مربوط به آنها در شاهنامه فردوسی

زهرا رشادی نژاد*

عطا محمد رادمنش**

چکیده

یکی از شاخصه های فرهنگی یک ملت، چگونگی آداب فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است و از زیر مجموعه های فرهنگی، جشنها و آیینهای یک قوم و برپایی و گرامیداشت آنهاست که میزان پویایی و شادابی آن جامعه را نشان می دهد. به گواه کتیبه های هخامنشی و آثار به جا مانده از کهن روزگار ایرانشهر، ایرانیان مردمانی با پیشینه فرهنگی سترگ بودند و از هر فرصتی برای جشن و شادی استفاده می کردند و به مناسبت روزهای خاصی از ماه در طول سال، جشنهایی به فراخور آن برپا می کردند. در بررسی بازتاب جشن های اصیل ایرانی چون نوروز، مهرگان و سده به روزها و ایامی بر می خوریم که از زمره جشنهای ایرانی هستند ولی نسبت به جشنها و آیین های بزرگ دیگر، کمتر مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده اند. این مقاله به معرفی و بازشناسی ویژگیهای این گونه جشنها در شاهنامه فردوسی پرداخته است. این آیینها از جنبه های گوناگون قابل اهمیت است؛ یکی آن که در میان روزهای مخصوص ایرانیان باستان، جشن های فراوانی وجود داشته که به دلیل تطابق نام روز با نام ماه، جشنهای ماهیانه ای برگزار می شده که آداب ویژه خود را دارا بوده است، هرچند بیشتر آنها امروزه به بوته ی فراموشی سپرده شده است. دیگر آنکه در میان ایرانیان باستان هفته وجود نداشت و در گاهشمار ایران قبل از اسلام، روز، واحد شمارش پس از ماه بود، بنابراین هر روز نام مخصوص به خود را داشت که به یکی از ایزدان یا امشاسپندان مربوط و منسوب می شد. جنبه دیگری که سعی شده با بررسی دقیق بدان پرداخته شود ذکر ویژگیهای هرروز است؛ در این خصوص برای واکاوی ریشه این ایام و جشنها و آداب و خصوصیات مربوط به آنها، جز شاهنامه فردوسی، از منابع معتبر دیگر نیز استفاده شده است.

واژه های کلیدی: شاهنامه ی فردوسی، ایام، جشن ها، آداب و رسوم

*دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد Zahra.reshadinezhad@yahoo.com

**استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

جشنهای باستانی ایرانیان از دیرباز مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده است. چگونگی برگزاری و آداب و رسوم مربوط به آنها از مسائلی است که در آثار نویسندگان و در دیوانهای شعرا انعکاس یافته است. این جشنها و آیینها، باور و عقاید ایرانیان کهن را بازتاب می دهد، جشنهایی که برگرفته و یادآور رویدادهای فرخنده می باشد و هریک دارای ریشه های داستانی و افسانه ای هستند. در اثنای جشنها و آیینهای شادمانی میان ایرانیان، با جشنهایی غیر از نوروز، مهرگان و سده مواجه میشویم که در روزها و ماههایی از طول سال برپا می شده است و نام به خصوصی را دارا بوده است.

در این مقاله به بررسی ایام ایرانیان پرداخته خواهد شد؛ روزهایی که در هر سی روز از ماه نام خاصی به خود می گرفته است و هریک وظایف و ویژگیهایی را نیز دارا بودند. در تقویم باستانی ایرانیان گاهی نام روز با نام ماه برابر می شد و ایرانیان آن روز را جشن می گرفتند مانند بهمن روز از بهمن ماه که روز جشن بهمنگان (بهمنجه) است. نام هریک از این روزها بر اساس نام ایزدان یا امشاسپندان (فرشتگان نگهبان افلاک) تعیین می شده است.

در واقع امشاسپندان عبارتند از: «شش فلک یا ایزد برجسته که به کروبیان نامی هستند و در سروده های زرتشت از اسامی مجرد و صفات اهورا مزدا به شمارند.» (رضی، ۱۳۸۰: ۱۲۱) در جدول زیر نام این شش امشاسپند یا ایزدان برجسته به همراه معنی و ویژگیهای خاص آنها معرفی می گردد:

ردیف	نام امشاسپند	معنی واژه	وظیفه	ویژگی مخصوص
۱	و هونه (بهمن)	منش و اندیشه نیک	در عالم روحانی مظهر اندیشه نیک در عالم مادی پرستار جانوران سودمند	نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه، گل یاسمن سفید مخصوص بهمن است.
۲	اشا وهیشت	بهترین اشا یا راستی و	در عالم روحانی نماینده راستی	نام دومین ماه سال و سومین روز ماه، گل مرزنگوش

مخصوص این ماه است.	در عالم مادی نگهبان کلیه آتش های زمین	درستی	(اردیبهشت)	
نام ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه، گل شاهسپرغم (ریحان) مخصوص این ماه است.	در عالم روحانی نماینده سلطنت ایزدی در عالم مادی پاسبان فلزات	کشور آرزو شده، سلطنت مطلوبه	خشته و ئیریه (شهریور)	۳
نام دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه، دختر اهورامزدا، گل بیدمشک مخصوص اوست.	در عالم روحانی مظهر محبت و تواضع در عالم مادی فرشته موکل بر زمین	فروتنی و فداکاری پاک	سپنت آرمیتی (سپندارم ذ)	۴
نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه، روز به وقوع پیوستن رستاخیز، گل سوسن مخصوص خرداد است.	در عالم روحانی مظهر کمال اهورا مزدا در عالم مادی پرستار آب	کمال یا صحت	هئوروتا ت (خرداد)	۵
نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه، گل چمبک از آن اوست.	در عالم روحانی نماینده بقای اهورا مزدا در عالم مادی پرستار گیاهان	بی مرگی، جاودانی	امرئات (مرداد)	۶

جدول (۱-۱): معرفی امشاسپندان^۱

طرح مساله:

آداب و رسوم، آیین فرهنگ یک ملت است و فرهنگ قلمرو گسترده ای را در برمی گیرد، از زبان انسانی تا دست نوشته های او و تمام شئون اجتماعی و سنتها و آداب و رسوم. تقویت بنیانهای فرهنگی

^۱ - برگرفته شده از کتاب متین دوست، ۱۳۸۴: ۴۱ و ۴۰

در یک تمدن و یا یک کشور بدون بازشناسی آنات و وجوه آن غیر ممکن و بیهوده است. هرملتی در طی هزاره ها، اندوخته های بسیاری از آداب و رسوم و سنتها دارد که هر بخش آن در متنی، اثری، و یا کتابی مکتوب و محفوظ است؛ همچون بخش عظیمی از فرهنگ ایران قبل از اسلام که در شاهنامه فردوسی مکتوب می باشد، در واقع شاهنامه بزرگترین اثر ادبیات حماسی ایران و جزء آثار بزرگ ملل جهان در این نوع ادبی می باشد؛ گنجینه ای که از تمام داشته های ایرانیان در فرهنگ و زبان و آداب و رسوم سخن می راند و می توان به بازشناسی هویت ملی و عقیدتی و تحکیم و قوام آن پرداخت.

مقاله حاضر بر آن است تا با مطالعه کل شاهنامه، جشنها و آداب و رسومی را که در ایام ماههای باستانی، میان ایرانیان رایج بوده است شناسایی و سپس تجزیه و تحلیل نماید.

چارچوب نظری:

در این مقاله، ایام و روزهای فرخنده ایرانیان معرفی می گردد. روزهایی که در ماه خجسته و خوش یمن بودند و به دلیل انطباق نام آنها با نام ماه، جشنهای ماهیانه گرفته می شد؛ ضمن معرفی این روزها و نام هریک، وظایف و ویژگیهای آنها نیز بیان می گردد؛ همچنین به جشنهای ماهیانه مربوط به این ایام اشاره می شود که برای آشنایی بیشتر در جداولی نمایش داده می شود.

برای این منظور ابتدا توضیح مختصری راجع به واژه های جشن و ایام ذکر خواهد شد و سپس مباحث

اصلی همراه با شاهد مثالها از شاهنامه آورده می شود.

جشن:

لغت جشن در فارسی از لغت (یسن) اوستایی به یادگار مانده است. چون اصلاً تمام اعیاد دینی بود.

مانند عید فروردگان و عید مهرگان و در این اوقات مخصوصه به ستایش و پرستش و مراسم دینی می پرداختند یا به عبارت دیگر (یزشنه) می کردند از این جهت روزهای متبرک را جشن می خواندند. (دهخدا، ذیل جشن)

در کتاب مزدیسنا و ادب فارسی راجع به واژه جشن چنین آمده است: «واژه جشن که به معنی عید است از کلمه «یسن» آمده است. در سانسکریت «یجنه» و در پهلوی «یزشن» و «ایزشن» گویند». (معین، ۱۳۳۸، ج ۱: ۱۹۵)

«لغاتی از ماده «یز» و «یسن» که از زمان قدیم تا به امروز در فارسی رواج داشته است همان لغات «ایزد» در «جشن» است». (پورداد، ۱۳۴۰: ۲۴)

ایام مخصوص ایرانیان:

سال اوستایی شمسی است و از ۳۶۵ روز تشکیل می شود. هر سال دوازده ماه دارد و هر ماه درست سی روز، این سی روز دارای سی نام مشخص و ویژه می باشد که هر روز به نامی خوانده می شود. نام ها از آن امشاسپندان و ایزدان است. اما پنج روز باقی می ماند. این پنج روز پس از آخرین روز از ماه اسفند، یعنی روز سیصد و شصتم قرار دارد که: پنجه، پنجه دزدیده، خمسه مسترقه یا اندرگاه، اندرگاهان خوانده می شود و هرروز را نامی ویژه است. این پنج نام از پنج بخش گاتاها یا سرودهای زرتشت برگزیده شده. هم چنین دوازده ماه اوستایی نیز دارای دوازده نام است منتخب از نام های امشاسپندان و ایزدان که با دوازده نام از سی اسم روزها مشترک است. (رضی، ۱۳۸۰، ۱۲۰) این پنج نام با ذکر ویژگیهای آن در جدول (۱)^۲ نمایش داده می شود:

شماره روز	نام معمول گاتاها	نام اوستایی	روز مخصوص	معنای واژه
۱	آهنود گاه Ahnavad-Gah	آهون وئی تی Ahunavaiti	روز نخست یا روز ۳۶۱ سال	سرور و مولا و هستی بخش
۲	آشتود گاه Ashtavad-Gah	اوست وئی تی Ushtavahiti	روز دوم از پنجه یا روز ۳۶۲ سال	سلامت و عافیت
۳	سپتمد گاه Spantmad-Gah	سپنت مئینیو Spenta-Mainyu	روز سوم از پنجه یا روز ۳۶۳ سال	سپندمینو (خرد مقدس)
۴	وهو خشتَر گاه	وهو خشتَر	روز چهارم از پنجه یا روز	اقتدار نیک و کشور خوب

^۲ - بر گرفته از کتاب پژوهشی در گاهشماری ایران باستان، هاشم رضی: ۱۳۰ و کتاب دانشنامه مزدیسنا، جهانگیر اوشیدری.

	سال ۳۶۴	Vohu-khshathra	Vohu-khshatra-Gah	
بهترین خواسته و نیکوترین ثروت	روز پنجم از پنجه یا روز سال ۳۶۵	وهیشتو ایشتی Vahishto-Ishti	وهیشتو اشت گاه Vahishtvasht-Gah	۵

در شاهنامه ابیاتی وجود دارد که به برخی از این امشاسپندان اشاره دارد:

چو هر مز بادت بدین پایگاه
چو بهمن نگهبان فرخ کلاه
همه ساله اردیبهشت هژیر
نگهبان تو با هوش و رای پیر
چو شهر یورت باد پیروزگر
به نام بزرگی و فر و هنر
سفن دارمذ پاسبان تو باد
خرد جان روشن روان تو باد
چو خردادت از یاوران برده‌هاد
دی و اورمزدت خجسته بواد
در هر بدی بر تو بسته بواد
دیت آذر افروز و فرخنده روز
تو شادان و تاج تو گیتی فروز
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۵۴)^۱

ایرانیان روز تلاقی نام ماه با اسم روز را جشن می گرفتند. علاوه بر این، روز اول هر ماه که به نام اورمزد است نیز جشن به پا می کردند و همچنین روز اول بهار و روز اول پاییز را که به نوروز و مهرگان مشهور بود و شب سده که دهم بهمن هر سال بود نیز از جشن های ایرانیان به شمار می رفت. فردوسی از جمله شعرایی است که به این روزها بیشتر از دیگران توجه کرده است و همواره در اشاره به روزها از این ایام نیز یاد می کند.

با توجه به این توضیحات در باره تقسیم بندی روزها نزد ایرانیان، به بررسی نام ایام مخصوص ایران باستان پرداخته می شود که برای آگاهی بیشتر و بهتر با نام و وظایف این ایام، در جدول زیر تشریح داده می شود.

جدول (۲): معرفی سی روز ایرانیان

شماره روز	نام روز	آوانویسی	ایزد نگهبان	وظیفه ایزد
۱	اورمزد روز	urmazd-ruz	اهورامزدا	-
۲	بهمن روز	bahman-ruz	بهمن	نگهبانی چهارپایان سودمند و آموختن گفتار نیک به

انسان				
نگهبانی تمام آتش های روی زمین	اردیبهشت	ordibehest-ruz	اردیبهشت روز	۳
نگهداری فلزات	شهریور	sahriwar-ruz	شهریور روز	۴
خرم و آبادان و پاک و بارور نگاه داشتن زمین	سپندارمذ	sepandarmaz-ruz	سپندارمذ روز	۵
نگهبانی آب و تربیت خلق و اشجار و ازاله پلیدی	خرداد	xordad-ruz	خرداد روز	۶
حفظ گیتی و اقامه غذاها و دواهایی که منشأ نباتی دارند و دافع مرض هستند و نگهبان چهارپایان و گیاهان	امرداد	amordad-ruz	امرداد روز	۷
تدبیر امور و مصالح	دی	dey-be azar-ruz	دی به آذر روز	۸
نگهداری زندگی جانوران و سوزاندن پلیدی و گناه	آذر	azar-ruz	آذر روز	۹
نگهبانی آب	آبان	aban-ruz	آبان روز	۱۰
تطهیر و ازاله پلیدی ها	خورشید	xor-ruz	خور روز	۱۱
پاسداری ستوران و حامل نژاد آنان	ماه	mah-ruz	ماه روز	۱۲
باراندن باران و روز رسانی	تیر	tir-ruz	تیر روز	۱۳
محافظت از چارپایان	گوش	gus-ruz	گوش روز	۱۴
تدبیر امور و مصالح	دی	dey-be mehr-ruz	دی به مهر روز	۱۵
حمایت از صلح و دوستی، نگهبانی کشتزارها، پاسبانی مردم و بخشیدن آسایش به ایران	مهر	mehr-ruz	مهر روز	۱۶
آموختن رسم بندگی به خاکیان و نمودن راه اطاعت به ایشان	سروش	sorus-ruz	سروش روز	۱۷

سنجیدن اعمال مردم در روز قیامت	رشن	rasn-ruz	رشن روز	۱۸
خازنی بهشت	فروردین	farwrdin-ruz	فروردین روز	۱۹
کمک به جنگاوران برای پیروزی	بهرام	bahram-ruz	بهرام روز	۲۰
بخشیدن چراگاه و اغذیه خوب	رام	ram-ruz	رام روز	۲۱
نگهبانی هوای پاک و پذیرفتن نذور	باد	bad-ruz	باد روز	۲۲
تدبیر امور و مصالح	دی	dey-be din-ruz	دی به دین روز	۲۳
پاییدن آسودگی زنان	دین	din-ruz	دین روز	۲۴
فراهم کردن خوشی و آسایش	ارد	ard-ruz	ارد روز	۲۵
راهنمایی مینویان و جهانیان	اشتاد	astad-ruz	اشتاد روز	۲۶
نگهبانی سپهر	آسمان	asman-ruz	آسمان روز	۲۷
نگهبانی خاک	زامیاد	zamyad-ruz	زامیاد روز	۲۸
پیام آور هرمز و مقابله با بیماری اهریمن و نگهبانی	مارسپند	marsepand-ruz	مارسپند روز	۲۹
نگهبانی فلزات و موکل بر روزگار	انیران	aniran-ruz	انیران روز	۳۰

تشمین رایش ملی پژوهش‌های ادبی، جمع آوری شده از کتب (دانشنامه مزدیسنا) جهانگیر اوشیدری،

(پژوهشی در اساطیر ایران: ۸۳ تا ۷۰) مهرداد بهار و (فرهنگ اساطیر و داستان واره ها...) جعفر یاحقی

با توجه به مطالب داخل جدول، در شاهنامه فردوسی تنها ۱۸ مورد از این ایام ذکر شده است که ضمن معرفی و توضیح اعتقادات قدما نسبت به این ایام، به ذکر ابیات و جشنهای مربوط به آنها نیز پرداخته خواهد شد.

۱- اورمزد روز، هرمز روز، هرمز:

اورمزد یا اولین روز ایرانیان منسوب به اهورامزدا است. جنیدی در مورد ریشه این لفظ و معنی واژگان آن چنین می نویسد: «هرمزد، صورت تخفیف یافته اهورامزدا است و اهورامزدا از دو جزء تشکیل یافته است، بهر اول آن «اهورا» به معنی سرور و بزرگ و فرمانروا است و همانست که به زبان آریایی و

سانسکریت «اسوره» (osooire) خوانده می شود. بهر دوم آن «مزدا» به معنی دانا است و این واژه بر روی هم، معنی «سرور دانا» را می دهد که لقب پروردگار عالم است از نظر ایرانیان در اوستا این نام به صورت «مزدا - هورا» هم آمده. این روز منسوب به اهورامزدا است که ابتدای هر چیز است و اول هر ماه نیز هست». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۶۷)

در کتاب گاهشماری و جشن های ایران باستان، به نقل از رساله ملامحسن فیض - در باب ایام و آداب و اعتقادات ایرانیان چنین بیان می دارد: «در این روز، (روز اول، هرمزد) فارسیان آشامیدن مفرحات و شادی کردن را روا دارند. ما می گوئیم روزی خجسته است. در این روزها با بزرگان سخن بگوئید. و طلب حاجات کنید که اجابت می شود، هر که در این روز زاده شود، طالعی نیک دارد. خرید و فروش، کشت و ورز، سفر، ساختمان و ازدواج نیک است و کسی که بیمار باشد یا شود زود تندرستی یابد و اگر چیزی گم شود پیدا شود». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

فرخندگی و مبارک بودن روز اورمزد نزد ایرانیان قدیم، مطلبی است که با بررسی اشعار فردوسی می توان بدان دست یافت:

دی و اورمزدت خجسته بواد در هر بدی بر تو بسته بواد (۴۵۴)

ابجمن علمی زبان ادبی فارسی

چو این نامه آرند نزد شما که فرخنده باد اورمزد شما

به نزدیک من جایتن روشن است بر و آستی هم ز پیرهن است (۱۲۵۴)

ششمین نمایش ملی پژوهش های ادبی

همه بدسگالان به نزد تواند به بهرام روز اورمزد تواند (۱۱۸)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

با توجه به این نکته که جشن اورمزد در اول فروردین یا همان نوروز بوده است ابیات فردوسی حاکی از

برگزاری این جشن در زمان قدیم در آتشکده است:

چه مایه خروشید و کرد آفرین به جشن کیان هرمز فروردین

پس آمد ز آتشکده تا به گاه کمر بست و بنهاد بر سر کلاه

همان جام رخشنده بنهاد پیش به هر سو نگه کرد ز اندازه بیش (۴۵۲)

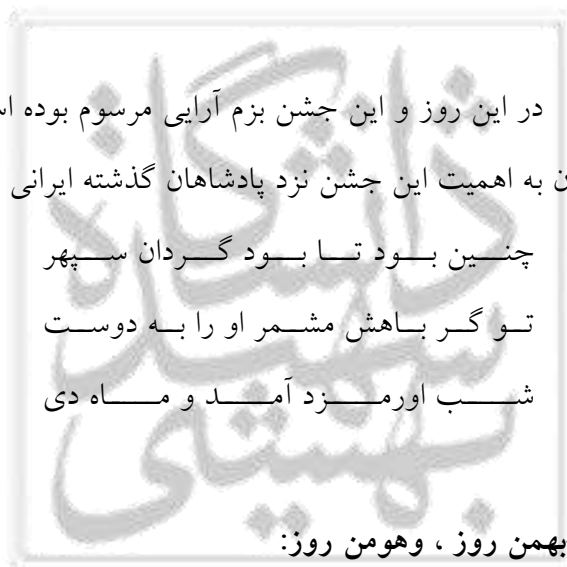
فردوسی در داستان پادشاهی یزدگرد ، هنگام به دنیا آمدن فرزندش بهرام گور، در روز اورمزد اشاره می کند و این تولد را فرخنده می داند:

همه موبدان زو به رنج و وبال	ز شاهیش بگذشت چون هفت سال
که پیدا کند در جهان هوردین	سر سال هشتم مه فرودین
به نیک اختر و فال گیتی فروز	یکی کودک آمدش هرمزد روز
از آن کودک خرد شد شادکام (۹۲۵)	هم آنکه پدر کرد بهرام نام

در این روز و این جشن بزم آرای مرسوم بوده است، با توجه به ابیات فردوسی راجع به این روز می توان به اهمیت این جشن نزد پادشاهان گذشته ایرانی پی برد:

گهی پر زرد و گهی پر ز مهر	چنین بود تا بود گردان سپهر
کجا دست یابد بدردت پوست	تو گر باهش مشمر او را به دوست
ز گفتن بیاسای و بردار می (۸۹۸)	شب اورمزد آمد و ماه دی

انجمن علمی زبان ادبی فارسی



۲- بهمن روز ، وهومن روز:

دومین روز از روزهای سی روزه ایرانیان بهمن نام داشت که به نام امشاسپند بهمن نام گذاری شده است. بهمن فرشته ای است که خشم و قهر و غضب را فرو می نشاند. «روز دوم بهمن نام دارد. روزی نیک است. در این روز از پهلوی آدم، خداوند هوا را آفرید. در این روز تزویج، سفر، دخول در خانه خود، خرید و فروش و طلب نیازها نیکوست. هر کس در آغاز این روز بیمار شود، زود بهبود یابد و اگر در آخر روز بیمار شود. مرض سخت و احتمال مرگ است». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

در شاهنامه اشاره حرکت سپاه در روز پس از هرمز یعنی بهمن روز رفته:

بباشم بدین بزمگه پنج روز	ششم روز هرمزد گیتی فروز
به هفتم برانیم ز ایدر سپاه	که او کین فزایست و ما کینه خواه (۵۶۰)

در تقویم باستانی دومین روز ماه در ایران با نام بهمن رقم خورده و انطباق این روز با بهمن ماه را جشن می گیرند. «بهمنجه، بهمن روز است از بهمن ماه و بدین روز بهمن سپید به شیر پاک خورند و

گویند حفظ افزایش مردم را و فرامشتی برود و اما به خراسان مهمانی کنند و بر دیگی که اندرو از هر دانه خوردنی، خوردند و گوشت هر جانوری و حیوانی که حلال اند و آنچه اندر آن وقت اندر آن بقعه یافته شود از تره و نبات». (بیرونی، آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۳۰۰)

وجود بیٹی از شاهنامه در مورد بهمن، به طور غیر مستقیم رسومی چون آتش افروزی و سور دادن در جشن بهمن را اثبات می کند:

یکی آتشی دید رخشان ز دور بر آن سان که بهمن کند شاه سور (۹۵۶)

۳- اردیبهشت روز:

سومین روز هر ماه به نام اردیبهشت موسوم است. «فارسیان گویند روزی سنگین است، اما ما می گوئیم بد و نحس. در این روز از همه نیازها باید پرهیز شود و به حضور بزرگان نرفته و خرید و فروش و تزویج خوب نیست. هر که را در این روز بیماری رسد بیم هلاک است و این روزی است که خداوند آدم و حوا را از بهشت خلع لباس و بیرون کرد. سفر در این روز خوب نیست که گرفتاری راهزنان در آن است». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۴۹ و ۱۵۰)

ابیات راجع به این روز، در مورد وصف آن است:

به شادی یکی نامه پاسخ نوشت چو تازه بهاری در اردیبهشت (۲۲۰)

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی بهاری است گویی در اردیبهشت به بالای او سر و دهقان نکشت (۱۳۵۷)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

در اردیبهشت ماه این روز را جشن برپا کرده آن را اردیبهشت گان می خوانند. برهان قاطع در این باره می گوید:

«در این روز نیک است به معبد و آتشکده رفتن و از پادشاهان حاجت خود خواستن و به جنگ و کارزار شدن». (برهان، ۱۳۶۲: ذیل اردیبهشت)

با این که فردوسی به جشن اردیبهشت گان اشاره ای نکرده ولیکن ابیاتی در وصف این ماه در این روز دارد:

بهاریست خرم در اردیبهشت همه خاک عنبر همه زرخشت (۴۷)

بدو گفت پیران که خرم بهشت کسی کاو نبیند به اردیبهشت (۲۴۹)

همه ساله اردیبهشت هژیـر نگهبان تو با هـش و رای پیر (۴۵۴)

همی تاختی بر جهان یکسره چو اردیبهشت تا آفتاب از بره (۶۵۰)

چو سی روز بگذشت از اردیبهشت شد از میوه پالیزها چون بهشت (۹۸۰)

۴- شهریور روز:

روز چهارم شهریور نام دارد و آن نام فرشته ای است که پس از آفریدن جواهر، موکل بدان شد و نیز فرشته ای است موکل بر دریای فرنگ. فارسیان چنان که ما می گوئیم. این روز را مبارک دانند. در این روز هابیل پسر آدم زاده شد. برای تزویج، شکار صحرایی و دریایی روز خوبی است. متولدین در این روز پرهیزگار و نیک روش خواهند شد. برای سفر روزی نیکو نیست و آنان که بیمار شوند بدین روز، به زودی تندرستی یابند. (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

فردوسی ابیاتی بر روز شهریور دارد و نیز به وابستگی این روز با داراب اما نه به عنوان روز تولد او:

چو شهریورت بباد پیروزگر بنام بزرگی و فرّ و هنر (۴۵۴)

همی بود تا ابر شهریوری برآمد جهان شد پر از لشکری (۹۷۴)

به شهریور بهمن از بامداد جهاندار داراب را بار داد (۷۸۱)

که در بیت اخیر، شهریور بهمن، یعنی روز چهارم از ماه بهمن است.

جشن مربوط به این روز شهریورگان نام دارد. در واقع افروختن آتش رسم مشترک و رایج در اغلب جشن های ایرانی بوده است، ابوریحان بیرونی راجع به این روز چنین میگوید: «در این عید آتش های

بزرگ در خانه ها می افروختند و ستایش خدا بسیار می کردند و برای خوردن غذا و دیگر شادمانی ها گرد هم جمع می شدند. این آتش را برای رفع سرما و خشکی که در زمستان حادث می شود می افروختند و می گفتند پخش حرارت چیزهایی را که برای نباتات زیان آور باشد دفع می کند». (بیرونی، آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۲۸۹)

۵- اسفندارمذ روز:

روز پنجم از ماه شمسی که به امشاسپند سپندارمذ (اسفندارمذ) منسوب است. جنیدی در این خصوص چنین می گوید: «سپندارمذ روز، اسفندارمذ روز یا سپندارمذ، نیز یکی از امشاسپندان و ایزد نگهدارنده زمین و فلزات بوده است. زرتشتیان هنگام نوشیدن «هئومه» یا «هوم» مقداری از آن را برای خشنودی سپندارمذ به زمین نثار می کرده اند و رسم افشاندن شراب از اینجا سرچشمه گرفته است. سپندارمذ، که تلفظ اوستایی آن «سپندرئیتی» است، ضمناً ایزد فروتنی و بردباری نیز می باشد و شاید به همین دلیل است که بر زیر پای همه جانداران قرار دارد». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۷۱)

«روز پنجم اسفندارمذ نام دارد و فرشته نگهبان زمین است. روزی نحس و سنگین می باشد. قابیل پسر آدم که بدکار و جنایت کار بود، در این روز زاده شد. در این روز به هیچ کاری دست میازید و به خانه بنشینید که روزی نحس و بد یمن است». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

از ابیات فردوسی در حرکت بهرام چوبینه از توران به ایران، می توان حتی شروع جنگ و یا مسافرت را خوب دانست:

برآمد ز درگاه بهرام کوس رخ خورشید از گرد چون آبسوس
زمین روی یکسر به ایران نهاد به روز سپندارمذ بامداد (۱۲۷۷)

سپندارمذ پاسبان تو باد خرد جان روشن روان تو باد (۴۵۴)

از مهمترین جشن های این ماه جشن مزدگیران یا مردگیران است که در روز پنجم اسفند که سپندارمذ نامیده می شود، برگزار می گردد. از آنجا که فروتنی و شکیبایی و مهربانی در سرشت زن و مادر باشکوه تر جلوه می کند این روز را ویژه ایشان قرار داده اند و روزی بوده که مردان به زنان بخشش می نمودند، امروزه

به عنوان روز عشق ایرانی و تحت عنوان «سپندارمذگان» شناخته شده است و مشابه جشن «ولتاین» در فرهنگ غیر ایرانی است.

«اسفندارمذ ماه، روز پنجم آن روز اسفندارمذ است و برای اتفاق دو نام، آن را چنین نامیده اند و معنای آن عقل و حلم است و اسفندیارمذ، فرشته موکل به زمین است و نیز بر زن های درستکار و عفیف و شوهر دوست و خیرخواه موکل است. و در زمان گذشته، این ماه به ویژه این روز عید زنان بوده و در این عید، مردان به زنان بخشش می نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و ری و دیگر بلدان پهلوه، باقی مانده و به فارسی مردگیران می گویند.» (بیرونی، آثارالباقیه، ۱۳۶۳: ۳۵۵)

و اما آداب و رسوم این جشن: «در جشن اسپندگان قطعات مخصوصی از اوستا در روی کاغذ نوشته و به در خانه آمیخته تا سراسر سال آن خانه از گزند مار و مورچه و غیره ایمن ماند. این جشن را جشن برزیگران نیز گویند، زیرا افسون مذکور را برای محفوظ داشتن کشتزارها از آسیب حشرات موزی می نوشتند.» (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

همچنین در آخرین چهارشنبه ماه اسفند نیز جشن چهارشنبه سوری را برپا می کنند که امروزه در میان ایرانیان با تفاوت های چشم گیری ادامه دارد.

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

۶- خردادروز:

«روز ششم از هر ماه، خرداد روز نام دارد که فرشته موکل بر کوه هاست. فارسیان، نیز ما آن را روزی مبارک می دانیم که برای تزویج و طلب نیازها و سیر و سفر و شکار سزاوار و شایسته است.» (رضی،

۱۳۸۰: ۱۵۰)

به عقیده ایرانیان خرداد یکی از امشاسپندان بزرگ محسوب می شده است، جنیدی در این باره می گوید: «خرداد یکی از امشاسپندان است و شادمانی بخشیدن و پاداش نیکویی روان های نیکوکار با او است، در زمین نیز نگهداری آب ها و دفع پلیدی از آن ها را بر عهده دارد (این ایزد غیر از آناهیتا یا ناهید ایزد آب است) و به امرداد کمک می کند که جان گیاهان و جانوران را نگهداری کند.» (جنیدی، ۱۳۵۸: ۷۲)

در شاهنامه ابیاتی حاکی از این روز وجود دارد به عنوان مثال، حرکت مهران ستاد برای خواستگاری دختر پادشاه چین از انوشیروان در خرداد روز بوده است:

برفت از برگاه گیتی فروز به فرخنده فال و به خرداد روز (۱۰۹۴)

همچنین هنگام لشگرکشی بهرام چوبین از بلخ به ری در این روز بوده است:

پراندیشه از بلخ شد سوی ری به خرداد فرخنده در ماه دی (۱۲۰۴)

نیز پادشاهی هرمزد فرزند کسری و حمله فریدون به ضحاک از دیگر وقایع این روز است:

به ماه خجسته به خرداد روز به نیک اختر و فال گیتی فروز

نهادیم بر سر تاج زر چنان هم که ما یافتیم از پدر (۱۱۴۰)

فریدون به خورشید بر برد سر کمر تنگ بستش به کین پدر

برون رفت خرم به خرداد روز به نیک اختر و فال گیتی فروز (۲۵)

جشن این روز به خردادگان معروف بوده است که طبق روز شمار باستانی در روز ششم - خرداد روز - بود؛ اما امروزه روز چهارم خرداد برگزار می‌شود. «مردم در این روز به نشانه اینکه خرداد به آب تعلق داشته، به کنار چشمه ساران، جویبار و رودخانه ها می رفتند و روز را به شادی سپری می کردند و سعی بر آن بود که صفات برجسته خرداد را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. این جشن بیشتر در میان طبقه کشاورز جا باز کرده و ریشه دوانده است». (آخته، ۱۳۸۵: ۷۲)

در ابیات زیر فردوسی وقایعی را در خردادماه ذکر کرده است، از جمله تاج گذاری یزدگرد، حرکت سپاهیان، حتی به خوردنیهای این ماه اشاره کرده است:

که تاج کیان یافت از یزدگرد به خرداد ماه اندرون روز ارد (۹۹۶)

وزین خوردنی های خرداد ماه نکردی به کار اندرون کس نگاه (۱۰۳۸)

به بهرام روز و به خرداد شهر که یزدانش داد از جهان تاج بهر (۱۰۳۸)

هفتمین روز از هر ماه شمسی است که به نام امشاسپند امرداد است و بیشتر با خرداد می آید. معنی نام او بی مرگی و جاودانگی است و از اوست که زندگی در جهان جریان دارد. در شاهنامه فردوسی نیز مرداد با خرداد همراه شده و روزی مبارک و شاد را یادآور کرده است:

چو خردادت از یاوران برده‌ساز
ز مرداد باش از بر و بوم شاد (۴۵۴)

آنچه در کتاب هاشم رضی از قول ملا محسن فیض در باب این روز و آداب آن آمده چنین است:
«روز هفتم نامزد است به امرداد که فرشته موکل بر آدمی و رزق و روزی است. ما و فارسیان آن را روزی مبارک می دانیم، جهت اقدام به همه کارها، بویژه در اقدام به بنا و نشاندن درخت و کشت و ورز و بار یافتن به حضور بزرگان». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

نام جشن این روز که مطابق با ماه امرداد است، امردادگان نام دارد به روایت برهان «جشن مردادگان را، جشن نیلوفر، خوانند و در این روز هر حاجتی از پادشاه خواستی، البته روا شدی». (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۱۲۳) و (برهان، ۱۳۶۲: ذیل مرداد) در شاهنامه فردوسی، جشن امردادگان را به عنوان جشنی که در برج شیر است یاد می کند چرا که نماد و سنبل این ماه شیر (اسد) است:

چو بر زد سر از برج شیر آفتاب
ببالیسد روز و پیاورد خدای
به جشن آمدند آنکه بودی به شهر
بندگان جوینده از جشن بهر (۹۱۰)

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۸-دی به آذر روز:

سه روز از روزهای ماه های ایرانی به نام دی (آفریننده) است که برای جلوگیری از اشتباه این روز را با نام روز بعدی آن همراه می کنند؛ بنابراین مطلب، روز هشتم به نام این امشاسپند است. ملامحسن فیض این روز را از اسماء الاهی می داند: «روز هشتم دیاروز (دی به آذر) نام دارد که از جمله اسمای الاهی است. فارسیان گویند و ما نیز، که روزی خجسته است. آنان که بدین روز بیمار شوند، زود به تندرستی برسند و نیک است نزد بزرگان حاجت خواستن که برآورده شود». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰) جنیدی درباره ریشه واژه دی می گوید: «این روز در زبان اوستایی دتاشه (datusha) نامیده می شود و در زبان پهلوی دی پت اتور (dan-pat-atur) است و ابویعقوب کردی نیشابوری هم در کتاب «البلاغه» آن را به زبان فارسی دی (day) آورده است». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۷۴)

این مطلب، یعنی تلفظ دی (day) در ابیات شاهنامه نیز وجود دارد. فردوسی واژه دی را با واژه های می و گی هم قافیه کرده است:

کجا ماه آذر بدی روز دی گه آتش و مرغ بریان و می (۱۳۲۱)

که چون ماه آذر بد و روز دی جهان را تو باشی جهاندار گی (۱۳۲۶)

۹- آذر روز:

روز بعد از دی به آذر، یعنی آذر، نام نهمین روز در گاهشماری های قدیم ایرانیان است. «نهمین روز، آذر نام دارد که فرشته ای است موکل به ترازوی قیامت. فارسیان و ما هر دو، آن را روزی سبک و نیک می دانیم که از آغاز تا پایان روز، جهت سفر و اقدام به کارها نیک است. طلب حوایج در این روز قرین توفیق است و کسانی که بیمار شوند بدین روز، زود شفا یابند». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

دیت آذر افروز و فرخنده روز تو شادان و تاج گیتی فروز (۴۵۴)

جشن مخصوص روز آذر، آذرگان نام داشت. به خاطر تعلق آذر به آتش، در این روز، مردم بیشتر در کنار آتشکده ها می رفتند و سرگرم جشن و نیایش بودند. «در این روز آتش مورد نیایش واقع می شد و تقدس می یافت. و به نام فرشته آتش موسوم بود. زرتشت گفته بود که در این روز آتشکده ها را زیارت کنند و قربانی نمایند و در امور عالم مشاوره کنند. مردم در این روز آتش می افروختند». (بیرونی، آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۲۹۵)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

۱۰- هورروز:

خورشید از زمان های دور نزد ایرانیان مقدس بوده است تا جایی که یکی از روزهای خود را به آن نسبت داده اند.

ملا محسن فیض در رساله خود این روز را روزی سعد می داند و چنین اعتقاد دارد که: «روز یازدهم موسوم است به خور که فرشته موکل بر آفتاب است. فارسیان آن را روزی سنگین می دانند. ما می گوئیم شیث پسر آدم در این روز متولد شد و نیز حضرت رسالت صلی الله علیه و آله. این روز جهت بار یافتن به حضور شاه و طلب نیاز خوب نیست، اما برای خرید و فروش و همه کارها نیک است جز ملازمت سلطان

که پنهان بودن از نظرش در این روز نیک است. متولدین بدین روز فراخ روزی و دراز زندگی خواهند بود». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

بنابه روایت شاهنامه، بهرام گور در این روز به تخت شاهی نشست:

به آذر اندر بد و روز هور که از شیر پرداخته شد پشت گور
(۱۲۳۳)

۱۱- تیر روز:

روز سیزدهم از هر ماه تیر است که نام فرشته موکل بر ستارگان است. فارسیان چون ما آن را روزی نحس و سنگین می دانند که نحوست آن به همه روز ادامه دارد و در این روز به هیچ کار و طلب نیاز از هیچ کس اقدام نمی کنند». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

جنیدی معنی این روز و این واژه را در اوستا تیشتر می داند، می گوید: «تیر در زبان اوستایی تیشتر خوانده می شود. هم نام پر نورترین ستاره آسمان است و هم نام تیشتر ایزد باران. در اعتقاد ایرانیان ستاره تیر، که آن را شعرای یمانی، یا عطارد، یا سیروس هم دانسته اند، سپاهبد خراسان است». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۸۰)

در واقع سیزدهمین روز از ماه تیر ماه جشن تیرگان است که ارتباط تنگاتنگ تیر با آب موجب شده که این جشن به آبریزگان نیز شهرت یابد. «آبریزگان جشنی است که فارسیان در سیزدهم تیر ماه کنند و آب بر یکدیگر پاشند، بدان آبریزان یا آبریزگان نیز گویند». (برهان، ۱۳۶۲: ذیل آبریزان)

درباره جشن تیرگان نیز چنین ذکر شده است: «تیرگان نام سیزدهم است از تیر ماه؛ گویند در این روز منوچهر با افراسیاب صلح کرد به شرط آن که افراسیاب یک تیر پرتاب را از ملک خود به منوچهر بدهد. پس حکما تیری ساختند از روی حکمت و در وقت طلوع آفتاب آرش آن تیر را بر کمان نهاده از جبال طبرستان به طرف مشرق انداخت. بعد از تفحص بسیار در کنار آب آمویه یافتند». (همان: ذیل تیرگان)^۲

از ابیاتی که فردوسی در مورد این روز و این جشن گفته می توان به مکان برپایی این جشن در باغ ها و آتشکده ها پی برد:

چو هنگامه تیر ماه آمدی گه میوه و جشنگاه آمدی
سوی میوه و باغ بودیش روی بدان تا بیابد زهر میوه بوی (۱۳۰۷)

۱۲- گوش روز:

«روز چهاردهم، موسوم است به جوش (=گوش) که نام فرشته ای است موکل بر آدمیان و چارپایان. فارسیان می گویند روزی سبک است. ما نیز می گوئیم روزی خوب است برای اقدام به کارها و دیدار بزرگان و طلب خواست و نیاز. متولدین در این روز کوشا در طلب علم و کمال خواهند بود و بهره مند از عمری دراز که به آخر عمر از ثروت بسیار بهره مند می شوند و بیمار شوندگان بدین روز، زود صحت یابند». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

گوش یا گوشورون که نام اوستایی آن «گئوش اور - ون» است گاهی در عنوان با گاوی بزرگ است و گاهی در هیات روان گاو و حیوانات مزدا آفریده. نام دیگر این ایزد درواسب است و درواسب ایزد حامی و نگهبان جانوران است... قربانی کردن و خوردن سیر و شراب از دیگر آثار این روز بوده است. بیرونی گوید که این روز، جشن سیرسور است و ایرانیان در این روز سیر و شراب می خورند و برهان می گوید در این روز گوشت را با علف پزند نه با چوب و هیزم». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۸۵)

می توان گفت مهمترین واقعه ای که در این روز اتفاق افتاده است، پادشاهی فریدون می باشد که فردوسی در این باره چنین می سراید:

بسیار است گیتی بسان بهشت بجای گیاسر و گلبن بکشت

از آمل گذر سوی تمشیه کرد نشست اندر آن نامور پیشه کرد

کجا کز جهان گوش خوانی همی جز این نیز نامش ندانی همی (۳۲)

۱۳- مهر روز:

«روز شانزدهم مهر ماه شمسی است که منسوب است به نام مهر، یکی از فرشتگان آیین زردشتی و مظهر پیمان و محبت و خورشید. ایرانیان روز مهر از ماه مهر، جشنی تحت عنوان مهرگان برپا می کردند که پس از نوروز، بزرگترین جشن به شمار می رفته است». (یاحقی، ۱۳۸۶: ۷۹۲)

«ایزد مهر اولین و بزرگترین ایزدان آریایی است و پرستش مهر با نژاد آریا شروع گردید و در همه ممالک آریانشین منتشر گردید. بسیاری از محققان مهر و خورشید را یکی دانند اما واقعاً چنین نیست زیرا که اگر این هر دو یکی بودند خورشید روز را جدا از مهر روز نمی آوردند. مهر در اوستا از آفریدگان اهورامزدا محسوب شده است و ایزد محافظ عهد و پیمان است و از این رو فرشته فروغ و روشنایی است تا هیچ چیز بر او پوشیده نباشد. این روز یادگار فریدون آریایی و دین میتراپی آریائیان است و تاجگذاری او پس از

ستم هزار ساله سامیان است و نیز روزی است که از مکانی که نطفه کیومرث در زمین روییده که میهری و میهرانه (مشی و مشیانه) از آن به وجود آمدند و زندگی انسان ها آغاز گردید». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۸۶ و ۸۸)

جشن این روز از مهر ماه مهرگان نام دارد که از جمله مهمترین جشنهای ایرانیان باستان و در رده نوروز می باشد. در برهان قاطع درباره رسوم ایرانیان در جشن مهرگان چنین آورده شده: «و روغن بان که آن درختی است و میوه آن را حب البان گویند به جهت تیمن و تبرک بر بدن مالیدندی و اول کسی که در این روز نزد پادشاهان عجم آمدی، موبدان و دانشمندان بودندی و هفت خوان از میوه همچون شکر و ترنج و سیب و بهی و انار و عناب و انگور سفید و کنار، با خود آوردندی، چه عقیده فارسیان آن است که در این روز هر که از هفت میوه مذکور بخورد و روغن بان بر بدن بمالد و گلاب بیاشامد و بر خود و دوستان خود بپاشد، در آن سال از آفات و بلیات محفوظ باشد و نیک است در این ایام نام بر فرزند نهادن و کودک از شیر باز کردن». (برهان، ۱۳۶۲: ۵۵۶ و ۵۵۷).

ز زیتون و جو و زهر میوه دار که در مهرگان شاخ بودی بیار (۱۰۳۸)

تاج بر سر نهادن پادشاهان در این روز و این جشن خوش یمن بوده، چنانچه در چند جای از شاهنامه به این رسم در جشن مهرگان و در ماه مهر اشاره شده است؛ فردوسی از این کار فریدون به نیکی یاد کرده و

چنین می سراید:

به روز خجسته سر مهرماه به سر بر نهادن کیانی کلاه

اگر یادگارست از او ماه مهر بکوش و به رنج ایچ منمای چهر (۳۱)

سر ماه نو هرمز مهرماه بران تخت فرخنده بگزید راه (۱۰۰)

۱۴- سروش روز:

«روز هفدهم از هر ماه شمسی است که نگهبانی آن به سروش، یکی از عمده ترین ایزدان آیین مزدیسنا، سپرده شده است. سروش به معنی اطاعت و فرمانبرداری از کلام ایزدی است و اگر چه اساساً از شمار امشاسپندان نیست، ولی در انجمن بلند پایگان مینوی راه دارد و گاهی هم از هفت امشاسپندان به شمار آمده

است. از حیث مقام با مهر برابر است و خشم، که در اوستا دیوی شرور معنی شده، بزرگترین رقیب اوست. سروش در رستاخیز به کار حساب و میزان گمارده می شود و در فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی، بر جبرئیل انطباق یافته است. سروش با صفات مقدس، نیک پاداش دهنده، توانا، پیروزمند، دلیر و اهورایی توصیف شده و نماد اطاعت و نماینده پارسایی ایزدی و پاسدار فروغ و روشنی است. سروش روز روزی برگزیده بوده و آن را برای دعا کردن و به آتشکده رفتن مناسب می دانسته اند. می گویند ملک الموت در این روز آفریده شده». (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۶۵)

نزد فارسیان این روز، روزی میانه، بین نحس یا یمن بودن به حساب می آید: «روز هفدهم، سروش نام دارد که فرشته ای است موکل بر محافظت جهان و آن همان جبرئیل است علیه السلام. فارسیان آن را روزی میانه اندر خوبی و بدی دانند. اما نزد ما نیک است برای هر چه خواهند در تزویج و خرید و فروش و زراعت و بنا و بار یافتن به حضور شاه و طلب حاجت». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۱ و ۱۵۲)

در شاهنامه پادشاهای بهرام گور در چنین روزی به وقوع می پیوندند:
بزرگان بر او گوهر افشانند
بران تاج نو آفرین خواندند
ز گیتی برآمد سراسر خروش
در آذر بد این جشن روز سروش (۹۴۳)

۱۵- فروردین روز:

فروردین تلفظ اوستایی فره وش است و به اعتقاد ایرانیان باستان در این روز ارواح یا فروهرهای درگذشتگان به زمین آمده و به همین مناسبت جشن فروردینگان برپا می گردد: «به اعتقاد ایرانیان فروهرهای درگذشتگان در روزهای آخر سال از بیست و پنجم اسفند ماه به مدت پنج روز پس از آن هم پنج روز اندرگاه (خمسه مسترقه) جمعاً به مدت پانزده روز به دیدار بازماندگان که باز می آیند و در همین ایام، ایرانیان شراب و غذا بر پشت بام ها می گذاشتند و به شادی روزگار می گذاشتند تا فروهر باز آمده شادی آن ها را ببیند و شاد گردد. پس جشن فروردین در حقیقت جشنی است برای شادی فروهران، که با جشن نوروز آریایی همزمان است». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۹۵ و ۹۶)

رضی نیز در کتاب خود به نقل از ملامحسن فیض این روز را نام فرشته موکل بر ارواح مردم می داند: «روز نوزدهم، فروردین است که فرشته ای است موکل بر ارواح مردم و قبض روح. فارسیان آن را روزی سنگین دانند و ما روزی سبک و خوب. سفر و تزویج و طلب حاجت، در این روز نیک است و هر کس

اقدام به معارضه با دشمن کند پیروز می شود. در این روز اسحاق نبی علیه السلام متولد شده و تولد در این روز نشان طالع نیک است». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)

ایرانیان در روز نوزدهم از ماه فروردین - فروردین روز - که جشن فروردینگان نام دارد، جشن می گرفتند. این جشن با توجه به نامش به فرورهای در گذشتگان تعلق دارد. بیرونی این جشن را در روز هفدهم فروردین - سروش روز - ذکر کرده با این وصف او سروش را نخستین کسی می داند که مردم را به زمزمه - آواز آهسته خواندن - وادار کرده و آموخته، سروش فرشته پاسدار شب و به گفته جبرئیل امین سرسخت ترین دشمن جن و ساحران در میان فرشتگان است که در یک شب تا سپیده دم بامداد سه مرتبه به زمین می آمده و ساحران را قلع و قمع می کرده تا همه چیز برای یک زندگی خوب و آرام فراهم باشد، آب ها گوارا، غمزدگان شاد، خردسالان پرآواز، و افراد ناتوان روح تازه بگیرند. جشن فروردگان در هند به جشن اموات نام دارد و زرتشتیان در این روز برای ارواح طلب آمرزش می کنند و رومیان نیز آن را «جشن مانس» می گفتند که در این روز برای مردگان فدیبه می دادند. (آخته، ۱۳۸۵: ۶۶) در شاهنامه به جشن فروردین اشاره ای نشده است تنها چند بیتی راجع به این ماه وجود دارد:

بمان تا بیاید مه فرودین که بفروزد اندر جهان هور دین (۴۴۸)

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

مه فرودین و سر سال بود لب رود لشکرگه زال بود (۶۷)

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

دی و بهمن و آذر و فرودین همیشه پر از لاله بینی زمین (۱۳۰)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

چه مایه خروشید و کرد آفرین به جشن کیان هرمز فرودین (۴۵۲)

صاحب برهان قاطع درباره اعتقاد پارسیان، در این روز می نویسد:

«نیک است در این روز به اعتقاد پارسیان، جامه نو پوشیدن، دیدن گوسفندان و گله و رمه گاو و

اسبان». (برهان، ۱۳۶۲: ذیل فروردین)

«در ادبیات مزدیسنا، بهرام فرشته پیروزی و نگهبان فتح و نصرت معرفی شده که هنگام نبرد هماوردان باید، برای پیروزی به او متوسل شوند و او را به یاری خوانند. در میان ایزدان مینوی بهرام به بهترین سلاح، مسلح است و بارها به صفت «اهورا آفریده» از او یاد شده است. بهرام در میان ایزدان، هم شأن سروش است و گاهی او را هفتمین امشاسپند و گاهی نیز از دستیاران اردیبهشت به شمار آورده اند. از گیاهان، سیسنبهر منسوب به اوست». (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۲۶)

بنابراین می توان گفت که بهرام، ایزد قدرت است و در جنگ ها به کمک ایرانیان می آمده است و شاهان همواره آتشکده های خود را به این نام می ساختند تا با پرستش وی قدرت پیروزی یابند: «شاهان ساسانی برای حفظ قدرت خود همواره آتشکده بهرام «آذر بهرامان» یا «آذر رهران» می ساختند». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۱۰۰)

در شاهنامه نیز اقدام به لشکر کشی ها در چنین روزی بوده است، چنانکه قیصر روم سپاهش را برای یآوری خسرو پرویز، در بهرام روز حرکت می دهد:

ستاره شمر پیش با رهنمای
بجنیبد قیصر به بهرام روز
که تا رفتنش کی برآید ز جای
به نیک اختر و فال گیتی فروز (۱۲۵۱)

نیز در زمان پادشاهی کسری انوشیروان آمده است:

به بهرام روز و به خرداد شهر
برومند شاخ از درخت قباد
که یزدانش داد از جهان تاج بهر
که تاج بزرگی به سر بر نهاد (۱۰۳۸)

همچنین در موقعی که خرداد برزین فرستاده خسرو پرویز، قلون را برای کشتن بهرام چوبینه اجیر می کند، به او چنین می گوید:

همه پادشاهی تو ویران کنی
همه بدسگالان به نزد تواند
چو آهنگ جنگ دلیران کنی
به بهرام روز اورمزد تواند (۱۱۱۸)

قاتل بهرام منتظر است که روز بیستم یا همان بهرام روز فرا برسد تا وی را بکشد، مرگ بهرام چوبینه از وقایع این روز است:

نگه دار از آن ماه بهرام روز
 برو تا در مرو گیتی فروز (...)
 قلون بستد آن مهر و تازان چو غرو
 پیامد ز شهر کشان تا به مرو
 همی بود تا روز بهرام شد
 که بهرام را آن نه پدرام شد (۱۲۸۰)

۱۷- ارد روز، ارت روز:

«نام بیست و پنجم از هر ماه شمسی است که منسوب است به فرشته ای با همین نام، که تمام لوازم خوشی و آسایش به او اختصاص دارد و موکل بر دین است. در اوستا، ارد، دختر اهورامزدا و خواهر امشاسپندان معرفی شده است. این روز را، روزی مبارک و خجسته دانسته اند و جامه نو پوشیدن و سفر کردن را در این روز نیک شمرده اند». (یاحقی، ۱۳۸۶: ۹۳) از این رو در شاهنامه، در چند بیت یاد شده است؛ که اولین آن، مربوط به داستان سیاوش و ساخته شدن کاخ وی در توران زمین، پس از پناه بردن وی به افراسیاب است:

خنیده به توران سیاوش گرد
 کز اختر بنش کرده شد روز ارد (۲۴۸)
 نیز، از این روز در ماه اسفندارمذ یاد می کند:
 همی رفت سوی سیاوش گرد
 به ماه سفندارمذ روز ارد (۵۹۳)

که تاج کیان یافت از یزدگرد
 به خرداد ماه اندرون روز ارد (۱۴۴۳)

چو بگذشت زو شاه یزدگرد
 به ماه سفندارمذ روز ارد (۱۴۴۳)

همچنین پایان یافتن داستان یزدگرد از قول فردوسی نیز در چنین روزی بوده است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد
 به ماه سفندارمذ روز ارد (۱۳۶۷)

گویا ساختن خانه و شهر در این روز نزد ایرانیان قدیم مبارک بوده است؛ چنانکه ساخته شدن شهر شاپورگرد به دست شاپور ذوالاکتاف در این روز بوده:

یکی شارسستان نام شاپور گرد
 برآورد و پرداخت در روز ارد (۸۹۴)

۱۸- آسمان روز:

«روز بیست و هفتم نامزد است به آسمان که نام فرشته موکل بر آسمان هاست. به عقیده فارسیان و ما، روزی خوب و پسندیده است. متولدین در این روز، دارای زیبایی و جمال خواهند بود. اقدام به بنا و کشت و خرید و فروخت و باریافتن به حضور سلطان و درخواست حاجات رواست». (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۳)

جنیدی درباره واژه آسمان چنین می گوید: «آسمان واژه مرکبی است که از دو بهر «آس» و «مان» ترکیب شده است. آس همان است که در خراس و آسیاب و دست آس موجود است و عبارت از سنگ گردی است که به دور محوری چرخد و «مان» نیز از فعل «مانستن» به معنی شبیه بودن مشتق شده شاید بتوان آسمان را «ستاره پایه» نامید که در مذهب مزدیسنان پس از مهر پایه جای دارد». (جنیدی، ۱۳۵۸: ۱۱۰)

در شاهنامه، در داستان پادشاهی کسری نوشین روان این روز را روزی مبارک می داند و می گوید:

به فرخنده فال و به روز آسمان برفتند گرد اندرش خادمان (۱۰۹۹)

همانطور که اشاره شد در شاهنامه فردوسی تنها به ۱۸ روز از ایام باستانی ایرانیان و جشنهای مربوط به آنها پرداخته شده است که جهت یادآوری در جدول زیر به نمایش داده می شود:

جدول (۳): نام ماه ها و جشن های مربوط به آنها

شماره ماه	نام ماه	نام و شماره روز	جشن	معنی ماه ها
۱	فروردین	روز نوزدهم: فروردین	فروردگان	پوشیدگان عالم بالا، دفاع و ایستادگی
۲	اردیبهشت	روز سوم: اردیبهشت	اردیبهشتگان	بهترین راستی و پرهیزگاری
۳	خرداد	روز ششم: خرداد	خردادگان	کمال
۴	تیر	روز سیزدهم: تیر	تیرگان	-
۵	مرداد	روز هفتم: امرداد	امردادگان	بی مرگی و جاودانگی
۶	شهریور	روز چهارم: شهریور	شهریورگان	شهریاری دلخواه
۷	مهر	روز شانزدهم: مهر	مهرگان	پیمان
۸	آبان	روز دهم: آبان	آبانگان	آب ها

آتش	آذرگان	روز نهم: آذر	آذر	۹
آفریننده، دادار	خرم روز	روز یکم: دی	دی	۱۰
نهاد نیک	بهمن گان	روز دوم: بهمن	بهمن	۱۱
فداکاری و فروتنی مقدس و اندیشه	اسپندار جشن	روز پنجم: اسفند	اسفند	۱۲

(برگرفته از هاشم رضی، ۱۳۸۰: ۱۲۵ و ۱۲۴ و ● مهرداد بهار، ۱۳۷۸: ۷۵ تا ۸۳)



نتیجه گیری

آنچه از این مقاله می توان نتیجه گرفت این است که، ایرانیان علاوه بر جشنهای ملی و باستانی خود در طول سال به جشنهای دیگری نیز می پرداختند و بدان اهمیت می دادند و آنها را با آداب و رسوم مختص به خود و با دقت تمام برگزار می کردند و اعتقاداتی راسخ به این ایام و این جشنها داشتند. همان گونه که در متن آمده است ایرانیان باستان روزی که نام ماه با نام آن روز تطابق می یافت به جشن و پایکوبی می پرداختند.

در میان تقویم ایرانیان هفته وجود نداشت ، بنابراین آنها برای نام بردن روزها، نام روز را با نام ماه را همراه می کردند مانند: خور روز از تیر ماه، که هرکدام از این روزها به نام یکی از امشاسپندان و یا فرشتگان اهورامزدا نام گذاری می شده است.

در میان ۳۶۰روز ایرانیان(دوازده ماه سال به دوازده ماه سی روزه تقسیم می شد) پنج روز باقی می ماند که به آن پنجه دزدیده یا خمسه مسترقه می گفتند که توضیح آن در متن گذشت.

هرچند این مراسم و آیین ها ، امروزه برگزار نمی شوند و به بوته فراموشی سپرده شده اند اما در دل متون کهن این آیین های شاد و ریشه دار زنده است.

پی نوشت

۱- در ارجاع ابیات شاهنامه به ذکر اعداد صفحه بسنده شده است.

۲- داستان تعیین مرز ایران و توران به وسیله آرش در تاریخ بلعمی چنین منقول است: «... چنان گفتند که مردی بنگرید به لشکر منوچهر اندر که از وی قوی تر کس نباشد و تیری بیندازد، هر کجا تیر وی بیفتد آنجا سرحد ملکشان بود و از آن سوی تیر حد توران را بود و افراسیاب را و از این سوی عجم را بود و منوچهر را، و برین بنهاد و هر دو ملک و هر دو سپاه این اتفاق بستند و صلح نامه نوشتند چنین. منوچهر مردی قوی بنگرید اندر همه سپاه خویش نام او آرش بود که بر زمین از او تیرانداز تر مردی نبود و قوی تر. ورا بفرمود که بر سر کوه دماوند شود و آن کوهی است که به هیچ شهر کوه بلندتر از آن نیست. بفرمود که بر سر آن کوه شو و آن تیر بینداز و به همه نیروی خویش تا خود کجا افتد و او از سر آن کوه تیر بینداخت به همه نیروی خویش، تیر از همه زمین طبرستان و زمین گرگان و زمین نشابور و از سرخس و همه بیابان مرو بگذشت و به راست جیحون افتاد». (بلعمی، ۱۳۸۰: ۲۴۱ و ۲۴۰)

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

منابع

آخته، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، جشنها و آیین های شادمانی در ایران (از دوران باستان تا امروز)، اطلاعات، تهران
اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۸۶، دانشنامه مزدیسنا (واژه نامه توضیحی آیین زردشت)، مرکز، تهران

برهان، محمد حسین خلف تبریزی، ۱۳۶۲، فرهنگ برهان قاطع، حاشیه محمد معین، امیر کبیر، تهران
بلعمی، ابو علی محمد بن علی، ۱۳۸۰، تاریخ بلعمی، تصحیح محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، به کوشش محمد
پروین گنابادی، زوار، تهران

بهار، مهرداد، ۱۳۷۸، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دویم)، آگاه، تهران
بیرونی، ابوریحان، ۱۳۵۲ و ۱۳۶۳، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، امیر کبیر، تهران
پورداد، ابراهیم، (گزارش... ۲۵۳۶) ۱۳۴۰، یسنا، ج ۱، دانشگاه تهران، تهران
جنیدی، فریدون، ۱۳۵۸، زروان سنجش زمان در ایران باستان، بنیاد نیشابور سازمان پژوهشی فرهنگی
ایران، تهران

دهخدا، علی اکبر، به اهتمام محمد معین، ۱۳۷۳، لغت نامه، دانشگاه تهران، بهار
رضی، هاشم، ۱۳۸۰، پژوهشی در گاهشماری ایران باستان، بهجت، تهران
فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، به کوشش سعید حمیدیان، شاهنامه، قطره، تهران
متین دوست، احمد، ۱۳۸۴، باورهای آریائیان، چهارباغ، اصفهان
معین، محمد، ۱۳۳۸، مزدیسنا و ادب فارسی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
یاحقی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی، فرهنگ معاصر، تهران

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱